

بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با محاصره و تحریم در صدر اسلام و دلالت های آن برای اقتصاد مقاومتی^۱

چکیده

نبرد حق و باطل سنت همیشگی تاریخ است و در طول تاریخ جبهه باطل از ابزارهای مختلفی جهت مقابله با جبهه حق استفاده کرده است. جمهوری اسلامی در بدو پیروزی آن تا به امروز با انواع مختلف تهدیدها و تهاجمات روبرو شده است و بعد از اینکه دشمن از جنگ نظامی و فرهنگی مایوس شده، تمام همت خود را مصروف جنگ اقتصادی و تحریم ها کرده است تا از این طریق نظام اسلامی را تسلیم امیال و خواسته های استکباری خویش کند. تحریم و محاصره در طول تاریخ بارها به عنوان ابزاری سیاسی جهت تغییر رفتار ملت ها بکار گرفته شده است. فرض اصلی این مقاله این است که سنخ و ماهیت تحریم و محاصره ای که در صدر اسلام مسلمانان با آن مواجه بودند با تحریم و محاصره کنونی که جمهوری اسلامی با آن مواجه است، مشابه است، اما امروزه ابزار بکارگیری تحریم ها متنوع تر شده است. با توجه به اینکه در قرآن کریم سیره پیامبر اکرم بخصوص در مسائل اجتماعی به عنوان اسوه و الگو معرفی شده، سیره ایشان در مقابله با محاصره و تحریم در شرایط جنگ اقتصادی می تواند استراتژی ها و راهبردهای کلان جمهوری اسلامی در مقابله با تحریم اقتصادی دشمنان را نشان دهد. بنابراین در این مقاله شرایط محاصره و تحریم اقتصادی-اجتماعی در شرایط مکی (شعب ابی طالب) و نیز شرایط محاصره و تحریم اقتصادی-اجتماعی در شرایط مدنی (جنگ احزاب) بررسی می شود و ضمن بررسی آثار و نتایج این تحریم ها و محاصره، سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با این تهدیدها و نیز تطبیق شرایط جمهوری اسلامی با شرایط این جنگ ها، دلالت های آن برای اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار می گیرد.

کلمات کلیدی: محاصره اقتصادی - تحریم اقتصادی - شعب ابی طالب - جنگ احزاب - سیره - اقتصاد مقاومتی

^۱ سعید سید حسین زاده یزدی، کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) (Asaeed8@gmail.com)
یاسر سلیمانی، پژوهشگر مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، (y.soleymani@isu.ac.ir)

سنت مبارزه همیشگی جبهه حق و باطل منجر شده که جبهه ی حق در طول تاریخ با معارضات، دشمنی ها و تهدیدات مختلفی مقابل جبهه باطل مواجه شود واز منظر کلامی دین اسلام که آیین جاودان ، برنامه زندگی ،راه هدایت و نقشه راه کلی بشر برای اداره زندگی است، نمی تواند نسبت به یکی از نیازهای مهم زندگی انسان و جامعه اسلامی که همان مقابله با معارضات و تهدیداتی است که موجودیت نظام اسلامی را مورد هدف قرار می دهد، بی تفاوت باشد. در حقیقت راز جاودانه بودن تعالیم دین اسلام این است که برای نیازهای ثابت و متغیر انسان ها پاسخ های ثابت و متغیر داده است.

در برهه کنونی با ظهور انقلاب اسلامی که داعیه دار جبهه حق است ، مبارزه حق و باطل وارد مرحله جدیدی شده است و از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون معارضات و تهدیدات زیادی علیه نظام جمهوری اسلامی اعمال شده است و پس از موثر واقع نشدن تهدیدات نظامی و فرهنگی حال جبهه باطل و استکباری با تمام قوای خود دست به کمر بسته تا از طریق تهدید اقتصادی و تحریم های اقتصادی نظام اسلامی را به زانو درآورد. رهبر انقلاب اسلامی نیز با تدبیر هوشمندانه خود از سال ها پیش اولویت تهدید را پس از جنگ نظامی و جنگ نرم ، حال جنگ اقتصادی تشخیص داده و در شعارهای سال از اولویت و راهکارهای عملیاتی کردن این مهم پرداخته اند و اقتصاد مقاومتی را به عنوان تاکتیکی کوتاه مدت و الگویی بلندمدت برای مقابله با این تهدیدات مطرح نموده اند و نیز این الگو را الگویی اسلامی – ایرانی دانستند که یکی از پایه های آن در اسلام است، بنابراین اقتصاد مقاومتی باید مبتنی بر نصوص اسلامی، اصول و راهکاری جهت مقابله با این تهدیدات ارائه نماید. رهبری انقلاب پیرامون اهمیت اقتصاد مقاومتی در مقابله با جنگ و تهدید اقتصادی فرمودند:

«تحریم های اخیر اگر چه به بهانه های انرژی هسته ای افزایش یافته است، اما درحقیقت با هدف مقابله با کلیت نظام جمهوری اسلامی برنامه ریزی شده است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۷/۱۹)

«تهدیدهای اقتصادی، خارجی است. خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله هسته ای است، نه مسئله حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم می دانند، ما هم می دانیم؛ علت، استقلال خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملتهای مسلمان الگو خواهد شد (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

تهدید اقتصادی ، پدیده نوظهوری نیست و در طول تاریخ بارها به عنوان ابزاری موثر و کارآمد جهت وصول به اهداف سیاسی یا اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. به نظر می رسد سنخ و ماهیت تهدیدات اقتصادی که امروزه نظام اسلامی با آن مواجه است با آنچه در عصر نزول قرآن کریم با آن مواجه بوده است یکسان است، در حالیکه ابزارهای آن متنوع شده و گسترش پیدا کرده است. پیامبر اکرم (ص) برای تشکیل حکومت اسلامی سه گام شالوده ریزی ، حراست و تکمیل و سازندگی نظام اسلامی را پیمودند و در راه حراست از جامعه اسلامی با تهدیدات مختلف نظیر محاصره اقتصادی در شعب ابی طالب و جنگ های مختلف با کفار، منافقین و یهود نظیر جنگ های بدر، خیبر، احزاب و... مقابله کرده اند. الگوی پیامبر اکرم (ص) در مواجهه با این تهدیدات

می تواند برای نظام اسلامی در مقابله با تهدیدات عصر حاضر مورد استفاده قرار گیرد و می توان با نگاه به این الگو شاخص ها را شناخت و برای نظام سازی مورد استفاده قرار داد. بنابراین می توان با مراجعه به قرآن کریم و بررسی ابعاد و انواع تهدیدات اقتصادی، راهکارها و راهبردهای کلی مقابله با انواع تهدیدات اقتصادی را بررسی کرد و نیز راهبردهای متناسب با مقتضیات شرایط عصر نزول را، از راهبردهای کلی مناسب همه دوران ها جدا کرد. بنابراین این مقاله با بررسی شرایط تحریم، محاصره و فشار که پیامبر اکرم(ص) با آن ها مواجه بوده اند، سعی می شود اصول کلی که پیامبر اکرم(ص) در مقابله با این تهدیدات اتخاذ کردند بیان شود. بدین منظور دو مورد از مهمترین مواجهات پیامبر اکرم(ص) در برابر تهدیدات خارجی بررسی می شود که به تفکیک شرایط مکی و مدنی بیان می شود. ابتدا شرایط محاصره و فشار در دوران مکی و شرایط شعب ابی طالب بررسی می شود که مشرکان قریش حاکم بر مکه، مسلمانان و قبیله بنی هاشم را که از حیث شمار در اقلیت بودند تحریم کردند و این تحریم سه سال به طول انجامید. مفاد این تحریم شامل تحریم مالی و تجاری و ... بود که به مدت سه سال در منطقه شعب ابی طالب مسلمانان در محاصره و تحریم بودند. پس از آن شرایط مدنی جنگ احزاب(خندق) بررسی می شود که ائتلاف قریش و یازده قبیله دیگر و بگونه ای اتحاد نظامی و اقتصادی محسوب می شود که با همراهی منافقین و یهودیان در مدینه همراه شد و شهر مدینه به مدت حدودا بیست روز در محاصره نظامی و اقتصادی لشکر عظیم کفر قرار گرفت که پشتوانه مالی بالا نسبت به مسلمانان داشتند که با راهبردهای پیامبر اکرم(ص) و نصرت الهی پیروزی از آن اسلام گشت.

ادبیات موضوع

۱- محاصره و تحریم

۱-۱ محاصره

محاصره به معنای گرد شخص یا اشخاص یا محلی را فراگرفتن، بطوری که رابطه محاصره شونده با خارج قطع گردد، نوعی روش تنبیه و مجازات و شیوه ای جنگی است به سخن دیگر، محاصره به معنای برگرد چیزی برآمدن و جلوگیری از هرگونه خروج و برقراری ارتباط با خارج از حلقه محاصره، در زندگی اجتماعی و نظامی کاربرد دارد؛ چرا که گاه برای تنبیه شخص یا اشخاص یا گروه های اجتماعی، آنان را در جایی محاصره می کنند که از آن به حصر خانگی، محاصره منطقه و مانند آن یاد می کنن(فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۸۸۹؛ ترمینولوژی حقوق، ۶۲۲)

۱-۲ تحریم

امروزه تحریم های اقتصادی به ابزاری متعارف برای اعمال نظرات سیاسی و اقتصادی در روابط کشورها و حتی شرکت ها تبدیل شده است. تحریم های یک جانبه، چندجانبه و بعضا جهانی پوششی است برای اعمال زور کشورهای مختلف که پس از گذر از دوران جنگ های جهانی و جنگ سرد در دوره ظهور جنگ نرم کارکردی مهمتر و گسترده تر یافته است.

تعریف تحریم

در ادبیات اقتصادی رایج تعاریف مختلفی از تحریم های اقتصادی ارائه شده است و معمولاً تحریم ها را ابزاری اقتصادی برای رسیدن به اهدافی سیاسی تعریف کرده اند. در این قسمت به برخی تعاریف تحریم های اقتصادی پرداخته می شود:

تحریم های اقتصادی به طور کلی جریمه هایی اقتصادی در تلاش برای تغییر رفتار سیاسی یک دولت محسوب می شوند. بنابراین تحریم های اقتصادی اقداماتی سیاسی هستند زیرا به عنوان ابزارهای اقتصادی سیاست خارجی که منجر به تغییراتی در سیاست های داخلی و یا خارجی یک دولت می شوند و یا برای تضعیف اقتدار یا ثبات آن حکومت مورد استفاده قرار می گیرند. (عابدینی، هافبائر و همکاران نیز تحریم را بدینگونه تعریف کرده است:

ما تحریم اقتصادی را ابزاری از پیش تعیین شده به منظور عقب نشینی حکومت مورد هدف یا تهدید وی برای قطع تجارت مرسوم و یا روابط مالی تعریف می کنیم. تحریم های اقتصادی به سه نوع تقسیم می شود: (۱) تحریم صادرات (۲) تحریم واردات و (۳) تحریم مالی. این تحریم ها گاهی به تنهایی مورد استفاده قرار می گیرند، اما اغلب اوقات با هم ترکیب می شوند. از طریق تحریم تجاری، کشور اعمال کننده به دنبال محدود کردن صادرات به و یا واردات از کشور هدف است. تحریم مالی از طریق به تعویق انداختن و یا قطع وام ها و اعتبارات یا حتی در موارد شدیدتر با مسدود کردن تمام اموال و دارایی های کشور هدف رخ می دهد. همچنین مسدود کردن اموال و دارایی ها اغلب به وسیله ای برای هدف قراردادن رهبران حکومت ها، مستبدین فاسد و همدستانشان رایج شده است. (هافبائر و همکاران، ۲۰۰۹)

۲- سیره

شریعت اسلامی بر مبنای قرآن کریم است که کتاب هدایت انسان هاست و در بردارنده تمدن توحیدی است و سیره اهل بیت (علیهم السلام) روش اجرا و تحقق این تمدن است. (الهی زاده، ۱۳۹۲، ص ۷-۸) شیعه برای پیروی از ائمه و عمل به وظیفه خود نیازمند شناخت سیره اهل بیت (ع) است تا در رویارویی با نیازهای جدید در عصر غیبت و مواجهه با الگوی رفتاری آن ها و همسو با دیدگاه ها و اهداف آن ها حرکت کند تا زمینه ظهور امام زمان (عج) فراهم گردد (الهی زاده، ۱۳۹۲، ص ۹). بنابراین شناخت الگو و سبک زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) ضروری است.

سبک و الگوی زندگی معصومین (علیهم السلام) سیره نامیده می شود. از منظر لغوی سیره در زبان عربی از ماده سیراست. سیر یعنی حرکت، سیره بر وزن فعله است و فعله در زبان عربی دلالت می کند بر نوع مثلاً جلسه یعنی نشستن. سیره پیغمبر یعنی سبک پیغمبر، متودی که پیغمبر در عمل و در روش برای مقاصد خودش به کار می برد. سبک و متود رهبری و مدیریت پیغمبر در جامعه چه متودی بود. سبک و روش پیغمبر در رفتار با دشمنان چه بود؟ و دهها سبک دیگر در قسمت های مختلف دیگر. (مطهری، ۱۳۹۲).

خداوند پیامبر (ص) را اسوه و سرمشق نیکو و کامل بشر دانسته است: (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه) سوره احزاب، آیه ۲۱. در آیات سوره احزاب که به الگو بودن پیامبر (ص) تاکید می کند، محور مسائل آن، مسائل سیاسی، نظامی و اجتماعی است درحقیقت محور الگو برداری و اسوه گیری از پیامبر (ص) در این آیات، پیروی و تقلید از روش پیامبر (ص) در جنگ است. خداوند در این آیات به پیامبر (ص) به عنوان رئیس دولت و حاکم اسلامی توجه می دهد و از مؤمنان می خواهد تا

از روش پیامبر(ص) در مدیریت جامعه اسامی به ویژه در هنگام جنگ و محاصره و تحریم، به عنوان بهترین شیوه مدیریت بحران و دولت اسلامی استفاده کنند و آن را سرمشق سبک زندگی و جامعه سازی و مدیریت جامعه قرار دهند.

۳- اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی است که در چند سال اخیر توسط مقام معظم رهبری ارائه گردیده است و با بررسی بیانات ایشان می توان اقتصاد مقاومتی را بدینصورت تعریف کرد:

اقتصاد مقاومتی منظومه ای منسجم و بهم پیوسته از بنیان ها و زیرساختها (فکری، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و قانونی) و استراتژی ها و راهبردهای سیاست گذاری در سطوح خرد و کلان می باشد که اولاً شرایط را جهت مقابله و مقاومت در برابر تهدیدات سخت و نرم دشمن فراهم می کند و ثانیاً ضمن تبدیل تهدیدها به فرصت، زمینه را جهت رشد و شکوفایی اقتصادی و ارائه الگوی نظام اسلامی فراهم می سازد.

به بیان دیگر اقتصاد مقاومتی، مقاومتی است مدبرانه و هوشمند در مقابل تهدیدات اقتصادی دشمن که علاوه بر خنثی کردن و کند کردن روند تاثیر آنها در کوتاه مدت، اقتصاد کشور را در بلندمدت در مقابل این تهدیدات مقاوم می نماید و فرصت را برای وصول به اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی نظیر پیشرفت و رشد اقتصاد ملی، اثبات کارآمدی عملی نظام جمهوری اسلامی، تحقق عدالت اجتماعی و کسب اقتدار سیاسی - اقتصادی و فرهنگی، فراهم می نماید.

ویژگی های اقتصاد مقاومتی در بیانات رهبر معظم انقلاب

- باید در مقابل این فشارها مصونیت سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تاثیر گذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی (۲۰/۱۲/۱۳۹۲)
- اقتصاد مقاومتی فقط جنبه ی نفی نیست؛ اینجور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)
- اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می دهد و اجازه میدهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)
- مجموعه ی سیاست های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲)
- این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲)

تحلیل موضوع:

بعد از بررسی ادبیات موضوع به بررسی شرایط محاصره و تحریم ابتدا در عصر مکی و تحریم اقتصادی- اجتماعی مسلمانان در شعب ابی طالب توسط مشرکین قریش و سپس به بررسی ائتلاف و محاصره اقتصادی- نظامی مدینه در جنگ احزاب اشاره می شود. و در هر کدام از این شرایط ابتدا به ماهیت و کیفیت و هدف محاصره و تحریم پرداخته می شود و سپس آثار نتایج و پیامدهای آن مورد بررسی قرار می گیرد و در پایان نیز استراتژی های پیامبر اکرم(ص) جهت مقابله با تحریم و محاصره اقتصادی و تطبیق آن با مسائل روز کشور و دلالت های آن برای اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- بررسی تحریم اقتصادی- اجتماعی مشرکین قریش در شعب ابی طالب

۱-۱ ماهیت محاصره اقتصادی- اجتماعی

ظهور دین مبین اسلام و آغاز دعوت رسول (ص) تا مدتی استکبار قریش ضمن آنکه از این دعوت ناخشنود بود، ولی نسبت به آن موضعی منفی نمی گرفت، زیرا از آن احساس خطر نمی کرد، اما با اسلام آوردن گروه قابل توجهی از مردم مکه بویژه شماری از فرزندان سران قریش و موالی و بردگان و در نتیجه تهدید شدن نظام حاکم بر روابط اجتماعی و سیاسی مکه، مستکبران قریش از استمرار دعوت رسول خدا و نفوذ محبوبیت آن حضرت « ص » بیمناک شدند و مدارا با اسلام را کنار گذاشتند و به مقابله با پیامبر بزرگوار برخاستند(رجبی دوانی، ۱۳۹۰)

قریش در این مقطع، جنگ نرم حساب شده ای را بر ضد « ص اسلام و از میان بردن دعوت « ص اسلام آغاز کرد و به تناسب شرایط و میزان توان و قدرت خویش سیاست های گوناگونی را برای از پای درآوردن رسول خدا به اجرا گذاشت. این سیاست ها با تدبیر و صبر و استقامت آن وجود مقدس یکی پس از دیگری ناکام شد. (رجبی دوانی، ۱۳۹۰) از طرفی طائفه قریش نمی توانست پیش بینی کند که اگر بجنگ با محمد(ص) برخیزد فاتح جنگ خواهد شد یا نه؟ چون اگر مبادرت به جنگ می کرد، بطور مسلم دو طائفه بنی هاشم و بنی المطلب بحمايت پیامبر(ص) بر می خواستند و آنگاه ممکن که طوائف دیگر برای پشتیبانی از دو طائفه وارد جنگ شوند و سپس دامنه جنگ وسعت بگیرد. تا آنکه سران مشرک قریش، مؤثرترین راه برای براندازی اسلام و از بین بردن استقامت رسول خدا رادر تحریم همه جانبه آن حضرت و قبیله او پنداشتند و خواستند، بوسیله «محاصره اقتصادی» ، که نتیجه آن بریدن رگهای حیاتی مسلمانان بود، از نفوذ و پخش اسلام بکاهند، و پایه گذار و هواداران آئین خداپرستی را در میان این حصار، خفه سازند. و پیامبر اکرم(ص) و حامیان وی یعنی (بنی هاشم و بنی المطلب را در معرض تحریم اقتصادی و اجتماعی قرار داد.(منصوری، ۱۳۶۱، ص ۷-۸)

باید دانست که بنی هاشم به « ص » بر مبنای تعصب قبیله و به عنوان عشیره و خویشان نزدیک آن حضرت بجز دو استثنا یعنی ابولهب و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب با اینکه بخشی از آنان هنوز اسلام نیاورده بودند « ص » عموماً حامی رسول خدا بودند. استکبار قریش تصور می کرد پیامبر بزرگوار اسلام به اعتبار این حمایت عشیره ای است که به دعوت خویش ادامه می دهد و از مقابله با آنها باکی ندارد. لذا سران قریش همه عشیره آن حضرت را بجز آن دو استثنا تحریم کردند، بدان امید که این تحریم و فشارهای آن موجب شود بنی هاشم طاقت نیاورد و از بازپس نشیند و حضرت با از دست دادن چنین پشتوانه ای، وادار به تسلیم و یا تغییر در عملکرد « ص » حمایت رسول خدا خود شود، آنگونه که قریش می خواهد « . بنی هاشم اعم از مسلمان

و مشرک در یک اقدام ارزشمند، عوارض این تحریم را به جان خریدند و در شعب ابی طالب نزد ص رسول خدا گرد آمدند و از حمایت حضرتش دریغ نکردند. (رجبی دوانی، ۱۳۹۰)

این بود که حکم تحریم توسط ده تن از اعضای مجلس دارالندوه نوشته شد و سران قریش عهدنامه‌ای، به خط «منصور بن عکرمه» و امضای هیئت عالی قریش نوشتند، و در داخل کعبه آویزان کردند و سوگند یاد نمودند که ملت قریش، تا دم مرگ طبق مواد زیر رفتار کنند: (سبحانی ج ۱، ص ۳۵۱) مفاد این تحریم بدینگونه بود:

- ۱- همه گونه خرید و فروش با هواداران «محمد» تحریم می شود .
- ۲- ارتباط و معاشرت با آنان اکیدا ممنوع می گردد .
- ۳- کسی حق ندارد با مسلمانان ارتباط زناشوئی برقرار کند .
- ۴- در تمام پیش آمدها باید از مخالفان «محمد» طرفداری کرد .

۲-۱ آثار تحریم

تحریمی که قریش بر علیه مسلمانان وضع کرده بود که در آن معاملات و داد و ستد با ایشان را ممنوع بر می شمرد نوعی تحریم تجاری و مالی محسوب می شد. و این تحریم آثاری بر وضعیت اقتصادی و معیشتی مسلمانان در شعب ابی طالب داشت که در این بخش به بخشی از آن ها اشاره می شود:

۱-۲-۱ بروز بحران کمبود غذا

جماعت قریش تمام راه هایی که منتهی به شعب ابی طالب می شد تحت نظر داشتند تا هیچکس نتواند بکسانی که در شعب هستند خواریار برساند. مدت سکونت مسلمانان در شعب سه سال طول کشید و در آن مدت طولانی مسلمانان محرومیت های سخت را تحمل کردند و در بعضی روزها اگر یک کف دست نان یا چند خرما نصیب یکی از سکنه شعب می شد آن را بکودکان می خوراندند و خود گرسنه می ماندند. (منصوری، ۱۳۶۱، ص ۱۸)

در شهر مکه مانند شهرهای کوچک امروزی یکدیگر را می شناختند و وقتی طائفه ای مورد تحریم اقتصادی و اجتماعی قرار می گرفت و با افراد طائفه معاشرت و معامله نمی کرد، محال بود که کسی به عضو قبیله تحریم شده یک قرص نان یا کیل خرما بفروشد. (منصوری، ۱۳۶۱، ص ۱۲) و فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که «سعد وقاص» می گوید: شبی از میان دره بیرون آمدم، در حالی که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم. ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم، آن را برداشتم و شستم و سوزاندم، و کوبیدم، و بعد با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز بسر بردم!

۲-۲-۱ گران شدن کالاها و کاهش قدرت خرید مسلمانان

در آن وضعیت سخت، یکی از منابع مالی ارزشمند برای مسلمانان، همان تجارت حضرت خدیجه سلام الله علیها و اموالش بود. مشرکین برای تکمیل محاصره شان تمام معاملات تجاری حضرت خدیجه سلام الله علیها را قطع کردند تا هیچ کس به مسلمین جنس نفروشد. در نتیجه مسلمانان مجبور بودند که اجناس را به چهار برابر و پنج برابر قیمت بخرند. در این میان، «ابو لهب» پافشاری بیشتری می کرد. او در میان بازار

فریاد می کشید و می گفت: مردم! قیمت اجناس را بالا ببرید، تا از پیروان محمد قوه خرید را سلب کنید و برای تثبیت قیمت، اجناس را گرانتر خریداری می کرد. از این جهت، همیشه عقربه ارزش در یک افق بالاتری گردش می کرد. (سبحانی، ج ۱، ص ۳۵۷)

۳-۱ راهبردهای مقابله با تحریم اقتصادی-اجتماعی قریش

۱-۳-۱ استقامت و پایداری ایمانی

وسيله آسان برای کوبیدن اقلیت‌های جامعه، همان مبارزه منفی است اما در مقابل آن دسته‌ای که شالوده مخالفت آنان را، ایمان به هدف تشکیل می‌دهد، هرگز با این بادها نمی‌لرزند، فشار محاصره ریشه ایمان آنها را محکمتر می‌سازد و ضربات دشمن را با سپر صبر و شکیبائی پاسخ می‌دهند (سبحانی، جعفر ۱۳۶۰) و در آن زمان آیه‌ای نازل شد و خداوند فرمود «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ» در درگیری با اینها سست نشوید، زیرا «إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ» اگر شما در درگیری با آنها درد می‌کشید، آنها هم مثل شما درد می‌کشند و البته یک تفاوتی با هم دارید «تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ» شما امیدی به خدا دارید که آنها ندارند. (طائب، ۱۳۹۰).

۲-۳-۱ بالابردن هزینه های تحریم برای تحریم کننده

ضمن این که مشرکین برای جلوگیری از داد و ستد اجناس کاروانهای تجاری با مسلمانان داخل شعب، مجبور بودند اجناس را گرانتر بخرند. وقتی اجناس را گران می‌خریدند، دیگر در مکه کسی خریدار این اجناس گران نبود. در نتیجه طی این سه سال، تراز مالی بسیار بالایی از مکه خارج شد بنابراین مشرکین احساس کردند ادامه‌ی این سیاست، مکه را هم دچار فقر می‌کند و تجار مکه هم از بین می‌روند. یعنی همان‌طور که مسلمین در شعب زیان می‌دیدند، تجار مکه هم زیان شدیدی را تحمل می‌کردند، (طائب، ۱۳۹۰) بنابراین پایان دادن به تحریم‌ها راهی بود که تجار قریش این زیان‌ها را جبران کنند.

۳-۳-۱ دور زدن تحریم‌ها و رساندن آذوقه به مسلمانان

جاسوسان «قریش»، در تمام راه مراقب بودند که مبادا کسی خوارباری به «شعب ابی طالب» برسد، ولی با این کنترل کامل، گاه بیگانه‌ای، «حکیم بن حزام»، برادرزاده «خدیجه» و «ابو العاص بن ربیع» و «هشام بن عمر»، نیمه شبها مقداری گندم و خرما بر شتری حمل کرده و تا نزدیکی «شعب» می‌آوردند. سپس افسار آن را دور گردنش می‌پیچیدند، و رها می‌کردند، و گاهی همین مساعدت موجب گرفتاری آنها می‌گردید. روزی «ابو جهل» دید، حکیم مقداری خواربار بر شتری حمل کرده و راه دره را پیش گرفته است. وی سخت بر او برآشفته، و گفت باید تو را پیش قریش ببرم و رسوا کنم. کشمکش آنها به طول انجامید. «ابو البختری» که از دشمنان اسلام بود، عمل «ابو جهل» را تفییح کرد، و گفت وی غذا برای عمه خود «خدیجه» می‌برد، تو حق ممانعت نداری، حتی اکتفاء به این جمله نکرد، و ابو جهل را لگدمال نمود.

۴-۱ تطبیق شرایط جمهوری اسلامی با شرایط شعب ابی طالب

در مقایسه وضعیت رسول خدا و بنی هاشم به هنگام محاصره و تحریم در شعب ابی طالب با موقعیت نظام جمهوری اسامی و دشمنی‌ها و اقدامات تحریمی و ایذایی استکبار جهانی باید گفت برخی مشابهت‌ها در این باره وجود دارد و همچون پیمان اعمال تحریم‌ها برضد بنی هاشم، از بدو تأسیس جمهوری اسامی موارد زیر برضد این نظام مقدس اجرا شده است:

۱- تحریم اقتصادی اعمال شده از سوی امریکا از سال ۱۳۵۸ و تحریم های وضع شده در سال های اخیر چه با صدور قطعنامه های سازمان ملل و چه تحریم های یکجانبه امریکا و اتحادیه اروپا.

۲ - ممنوعیت سفر برخی مسئولان جمهوری اسامی به غرب و بستن حساب های بانکی آنها

۳- حمایت همه جانبه از تمام مخالفان نظام و اپوزیسیون خارج و داخل از مناقین تروریست گرفته تا سران فتنه سال ۸۸

۴- عدم پذیرش پیشنهادهای جمهوری اسامی برای رفع تنش های پیش آمده توسط استکبار در قضایای هسته ای برای سرکش جلوه دادن نظام و سوی دیگر تحریک شیوخ وابسته و امریکایی خلیج فارس به تشنج آفرینی بر ضد ایران.

با این حال، به دلایل زیر جمهوری اسامی ایران بویژه در حال حاضر در موقعیت شعب ابی طالب نیست (رجبی، دوانی، ۱۳۹۱)

۱- وجود مقدس پیامبر به هنگام رسالت خویش در مکه و پیروان آن حضرت در این دوران، اولاً نسبت به مشرکان قریش از حیث شمار و تعداد در اقلیت « ص » « محض بودند. ثانیاً حاکمیت مکه کاملاً در اختیار قریش بود و رسول خدا در این زمان نه تنها بر ناحیه ای سیطره نداشت تا بتواند حکومتی تشکیل دهد بلکه به سبب شرایط سخت، امکان به دست گرفتن سلاح و مقابله فیزیکی با دشمن نیز برای مسلمانان و بنی هاشم فراهم نبود. از این رو مشرکان در حالی که « . « قریش برخی پیروان رسول خدا ص » را در مقابل آن حضرت شکنجه می دادند، ولی برای رسول خدا « ص امکان دفاع از آنان وجود نداشت اما نظام جمهوری اسامی از بدو تأسیس بر سراسر کشور پهناور ایران اسامی حاکمیت دارد و استکبار جهانی جرئت تجاوز به حریم حاکمیت این نظام مقدس را ندارد ، زیرا بخوبی می دانند در صورت هرگونه تعدی، با مقابله ده ها میلیون مشتاق شهادت مواجه خواهند شد.

۲ - تحریم های اعمال شده سه ساله بر محاصره شدگان شعب، اگرچه توسط بنی هاشم تحمل شد، اما نمی توان فشارهای شدید و گرسنگی ساکنان شعب را نادیده گرفت، به گونه ای که در اواخر دوران تحریم آه و ناله زنان و گریه و بی تابی کودکان گرسنه، حتی تأثر برخی از تحریم کنندگان را برانگیخته بود. حال آنکه به لطف الهی و به برکت وجود نظام ولایت و حکومت جمهوری اسلامی در ایران، تحریم های سه ساله استکبار جهانی و بویژه تحریم هایسه سال اخیر هیچ تأثیر جدیدی بر روند زندگی مردم ایران نداشته است و حتی طراحان آن به ناکارآمدی و بی تأثیر بودن این تحریم ها بر جمهوری اسامی و تغییر سیاست های آن اعتراف دارند.

۳ - اگر مستکبران قریش با با بردن قیمت کاهای مورد نیاز بنی هاشم مانع دستیابی آنان به حوایج خود و تحمیل فشار بر عشیره رسول خدا شدند، به گونه ای که بنا به نقل تاریخ راه ورود آب و طعام را بر شعب بسته بودند و هر طعمی که در ماه های حرام از سوی مسافران در بازار مکه عرضه می شد، بسرعت می خریدند تا مانع از رسیدن آن به دست بنی هاشم شود، اما جمهوری اسامی با دور زدن تحریم ها و از راه های گوناگون، نیازهای خود را تأمین کرده و دشمن غدار را ناکام گذاشته است. عاوه بر آن، تحریم ها موجب خودباوری ایرانیان و تولید بسیاری از نیازها در داخل کشور نیز شد و حکومت جمهوری اسامی را از واردات آنها بی نیاز ساخت. و بنی هاشم در شعب ابی طالب با موقعیت جمهوری اسامی درمی یابیم که همان گونه که رهبر معظم انقلاب « ص » با مقایسه موقعیت رسول خدا فرمودند، نظام مقدس جمهوری اسامی در موقعیت شعب قرار ندارد و در موضع قدرت، استکبار جهانی را در جنگ نرم نه تنها به چالش کشیده، بلکه دچار سردرگمی کرده و به زانو درآورده است.

۲- جنگ احزاب

۲-۱ ماهیت جنگ و محاصره نظامی - اقتصادی

غزوه خندق یا غزوه احزاب از غزوات پیامبر(ص) بود که در سال پنجم هجری رخ داد. این جنگ به احزاب نیز معروف است، زیرا قبیله قریش با متحدانش از دیگر قبایل کفار عرب و یهود، برای ریشه کن کردن اسلام بر ضد پیامبر(ص) و مسلمانان همدستان شدند. وقتی پیامبر بنی‌نضیر را، به دلیل خیانت، از سرزمینشان اخراج کرد، آنان راهی خیبر شدند و دیگر یهودیان را به جنگ با پیامبر تحریک کردند و این را می‌توان علت اصلی آغاز جنگ شمرد. پس از آن، یهودیانی از بنی‌نضیر و (واقدی: ابوعامر راهب)، به مکه رفتند و ابوسفیان و قریش را به جنگ با رسول خدا برانگیختند. ابوسفیان از پیشنهاد آنان برای هم‌پیمانی در دشمنی و جنگ با رسول خدا استقبال کرد و یهودیان و قریش با یکدیگر هم‌پیمان شدند (واقدی، ج ۲، ص ۴۴۱-۴۴۲). تعداد مشرکان از تمامی قبایل (احزاب) در این جنگ به ده هزار نفر رسید (ابن‌هشام، ج ۳، ص ۲۳۰، اتحاد و بسیج عمومی مشرکان و یهودیان در این غزوه، نمایانگر عزم جدی آنان برای نابودی اسلام بوده است. از این رو، رسول خدا فرمود، همه اسلام رویاروی همه شرک قرار گرفته است (طبرسی، ج ۱، ص ۳۸۱). این در حالی است که برخی تعداد مسلمانان را فقط سه هزار نفر ذکر کرده‌اند (واقدی، ج ۲، ص ۴۵۳)

۲-۲ آثار و تبعات جنگ و محاصره

۲-۲-۱ سختی جنگ و گرسنگی شدید مسلمانان

مشرکان پانزده یا بیش از ۲۰ روز یا یک ماه مدینه را در محاصره داشتند. در این مدت، سختی‌ها و مشکلات، هر دو طرف نبرد را در شرایط ناگواری قرار داد؛ مسلمانان در سرما و گرسنگی، شبانه روز از خندق مراقبت می‌کردند. فشار شبانه‌روزی دشمن نیز مزید بر علت بود؛ به حدی که به گفته محمد بن مسلمه، شب و روز مسلمانان یکی شده و خواب را از چشم آنان ربوده بود. (المغازی، ج ۲، ص ۴۶۵ و ۴۷۴). کمبود مواد غذایی بر بحران می‌افزود و یاران رسول خدا که از هر سو در سختی و تنگنا قرار داشتند، با کمبود آذوقه نیز مواجه بودند؛ به گونه‌ای که هر فردی تنها می‌توانست غذای یک یا دو نفر را تهیه کند.

۲-۲-۲ جنگ روانی منافقان و ایجاد ترس و وحشت در میان مسلمانان

ترس و وحشت و ایجاد تردید نسبت به وعده‌های الهی

مسلمانان که از پشت سر خود (داخل مدینه) از جانب بنی‌قریظه در مورد خانواده‌هایشان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چند گاه از قسمتهای تنگ خندق می‌گذشتند، درگیر می‌شدند، دچار هراس زیادی شدند. قرآن وحشت مسلمانان و بدگمانی آنان به وعده‌های خداوند را کاملاً وصف کرده است. از سُدی و قتاده نقل است که با شدت یافتن نبرد خندق و در محاصره قرار گرفتن مسلمانان، برخی نسبت به خدا و رسول بدبین شدند و آیه ۲۱۴ بقره ۲/ نازل شد: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ... آیا گمان کرده‌اید به بهشت می‌روید؛ حال آن که نظیر آنچه بر سر پیشینیان آمد بر سر شما نیامده است که تنگ‌دستی و ناخوشی به آنان رسید و تکان‌ها خوردند تا آن‌جا که پیامبر و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند گفتند: پس نصرت الهی کی فرامی‌رسد؟ بدانید که نصرت الهی نزدیک است.» وضعیت مسلمانان چنان بود که خداوند فرمود: «إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا = آنگاه که از

بالای [سر] شما و از زیر [پای] شما آمدند و آنگاه که چشم‌ها خیره شد و جان‌ها به گلوگاه‌ها رسید و در حق خداوند گمان‌هایی ناروا [بردید]. و در آنجا مؤمنان امتحان شدند (وضعیفان در ایمان) سخت متزلزل گردیدند: «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا». (احزاب/۳۳، ۱۰-۱۱)

تبلی و کم کاری منافقان و فرار از جنگ در میدان جهاد دسته‌ای از منافقان، به رغم دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله)، با سستی و کندی کار می‌کردند و گاه بدون اجازه پیامبر و پنهانی نزد خانواده خویش می‌رفتند زولی مؤمنان جز به ضرورت و با اجازه پیامبر محل کار را ترک نمی‌کردند و پس از انجام کار خود بی‌درنگ به محل کار بازمی‌گشتند، سوره مبارکه که نور آیات ۲۳، ۶۳ و ۶۴ به این موضوع اشاره می‌کند.

۲-۳ استراتژی پیامبر اکرم (ص) در مقابله با محاصره نظامی - اقتصادی در جنگ احزاب

عوامل پیروزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان در میدان احزاب، علاوه بر تأیید الهی به وسیله باد و طوفان شدیدی که دستگاه احزاب را به هم ریخت، و نیز علاوه بر لشگریان نامرئی پروردگار، مجموعه‌ای از عوامل مختلف، از روش‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و عامل مهم اعتقادی و ایمانی بود:

۲-۳-۱ راهبرد حفر خندق

رسول خدا (ص) از هنگامی که به مدینه هجرت کرد و حکومت اسلامی را پایه‌گذاری نمود، افراد آگاه و بصیری را به اطراف می‌فرستاد تا اوضاع دشمن را به اطلاع او برسانند تا غافلگیر حملات مخالفان اسلام نشود. از این رو، وقتی سپاه شرک و کفر با کمک یهود در جنگ احزاب رهسپار مدینه شدند و فکر می‌کردند پیامبر اسلام از این نیروی عظیم ده هزار نفری بی‌خبر است، با خوشحالی و پایکوبی و با تصور این که این مرتبه کار مسلمانان را تمام خواهند کرد، می‌آمدند. اما خبر حرکت سپاه دشمن به وسیله گروهی از قبیل «خزاعه» پس از چهار روز به گوش پیامبر اسلام (ص) و مردم مدینه رسید. مسلمین پس از اطلاع از آغاز تهاجم قریش، حداکثر هشت روز فرصت داشتند تا نسبت به انجام هرگونه اقدام تدافعی تصمیم‌گیری کنند.

تشکیل شورای مشورتی جهت سیاست‌گذاری

اهل مدینه از شنیدن این خبر سخت به وحشت افتادند. این شایعه منتشر شد که نیروهای اسلام در جنگ احد از نیروی دشمن که سه هزار نفر بود، شکست خوردند، اکنون چگونه با سپاه ده هزار نفری مجهز به تمام وسایل جنگی مقابله خواهند کرد. پیامبر (ص) بدون آن که تحت تأثیر شایعات قرار گیرد، با درایت و کمال قدرت و شهامت تصمیم به چاره‌جویی و برنامه‌ریزی برای مقابله با دشمن گرفت. از این رو بلافاصله جمعی از بزرگان و فرماندهان اسلام را به مشورت فراخواند و شورای دفاعی تشکیل داد، تا از تجربیات تلخی که از «غزوه احد» داشتند، برای مقابله با دشمن نیرومند برنامه‌ریزی کنند.

نوآوری و تاکتیک نوین در حفر خندق

سلمان فارسی که از فنون رزمی ایرانیان آشنایی کامل داشت و نخستین جنگی بود که در رکاب پیامبر (ص) حاضر بود، برای جلوگیری از حمله لشکریان دشمن به داخل شهر مدینه، پیشنهاد کرد که خندقی در اطراف شهر مدینه حفر شود تا نیروهای مهاجم نتوانند براحتی وارد مدینه شوند. این وسیله دفاعی تا آن روز در جزیره العرب سابقه نداشت و تاکتیکی نو به حساب می آمد. این تصمیم نشان‌دهنده نیروی ابتکار و نوآوری در جنگ بود.

سازماندهی و مدیریت نیروها در حفر خندق

پس از تعیین مسیر خندق که توسط شخص پیامبر (ص)، به همراه گروهی از مشاوران ایشان، افرادی چون سلمان فارسی، سعد معاذ و سعد بن عباد انجام شد، نخستین اقدام رسول خدا (ص) ایجاد سازمان لازم برای نیل به هدف نزدیک یعنی حفر عمل کننده، تحت مدیریت یکی از بزرگان اصحاب (مهاجر و انصار) هماهنگ شدند. ارتباط پیامبر اکرم (ص) با همه مسلمین از طریق سرپرستان انجام می شد. هر چند ارتباط آن حضرت با همه مسلمین ارتباطی صمیمی و مستقیم بود اما در امور محوله، فقط سرپرستان با رسول خدا ارتباط و تماس داشته اند. این نکته تلویحا از اشارات منابع تاریخی بر می آید. چنان که در ماجرای مواجه شدن گروه سلمان فارسی با سنگ سختی، افراد گروه از سلمان می خواهند موضوع را به اطلاع پیامبر اکرم (ص) برساند شاید بتوان نمودار سازماندهی نیروها جهت حفر خندق را به ترتیب زیر ترسیم کرد:

تقسیم کار، مدیریت نیروی انسانی و ایجاد حس رقابت جهت تسریع کار

چنان که از نقشه برمی آید پیامبر اکرم (ص) جهت ایجاد انگیزه و تشدید فعالیت مسلمین قسمتی از مأموریت حفر خندق را به گروه مهاجرین و بخش بزرگ تری از آن را به انصار سپردند. برای آن که میان انصار هم نوعی رقابت به وجود آید آنان را به تقسیم کردند این تقسیم بندی بر مبنای نزدیکی قومی و قبیله ای انجام شد زیرا هر تقسیم بندی دیگری ممکن بود با توجه به اختلافات فکری، فرهنگی و قومی مسلمین که بسیاری از آن ها تازه به اسلام گرویده بودند، سرمنشأ بروز مشکلات و مسائلی باشد. بروز اختلاف بر سر سلمان که نه از انصار بود و نه وابسته به مهاجرین، نمونه خوبی برای اثبات این مدعا است. پیامبر اکرم (ص) آگاهانه، از رقابت میان قبایل جهت تسریع کار استفاده کردند این تدبیر تا حد گروه های عمل کننده هم ادامه یافت. رسول الله (ص) با اعمال تقسیم کاری حساب شده میان افراد، هر چهل ذراع از مسیر خط کشی شده را به ده نفر محول کردند. بدین ترتیب نه فقط قبایل و طوایف با هم رقابت می کردند، بلکه در درون هر گروه میان افراد آن گروه هم رقابت ایجاد می شد. ضمن این که حوزه کار هر گروه کاملا مشخص بود و تداخلی در مسئولیت ها هم پیش نمی آمد.

تلاش، همت مضاعف و کار جهادی در حفر خندق

مسلمانان برای حفر خندق ابزار زیادی مانند بیل و کلنگ و تیشه و زنبیل، از یهودیان بنی قریظه که در آن زمان هم پیمان پیامبر بودند، به امانت گرفتند. مسلمانان با تلاش شبانه روزی، در شش روز آن را به پایان رساندند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز حفر خندق، مسلمانان را به تلاش و کوشش فراخواند و به آنان در صورت پایداری، وعده پیروزی داد. همچنین در حفر خندق عمار یاسر نیز چون دیگر مسلمانان می کوشید و بیش از دیگران کار می کرد و باری بیشتر برمی داشت.

۱- وعده پیروزی الهی در دل سختی ها و تنگناها

به نقل جابر بن عبدالله، او در حفر خندق به تنهایی پنج ذرع در پنج ذرع را کند و پس از فراغت در تأیید نظر پیامبر، لا عیشَ إِلَّا عِيشُ الْآخِرَةِ، را تکرار کرد. در حفر خندق مسلمانان با صخره‌ای مواجه شدند که شکستن آن غیر ممکن بود؛ از این رو سلمان نزد پیامبر رفت تا چاره‌ای بیندیشد، یا مسیر خندق را تغییر دهد. به نقل حذیفه پیامبر(صلی الله علیه و آله) با سه ضربه کلنگ، سنگ را شکست و هر بار نوری به سه جهت درخشید و مسلمانان تکبیر گفتند. سلمان که با چشمانش نورها را می‌پایید از حضرت در این مورد پرسید. پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود: که در یکی از آن نورها، مداین کسری و شهرهای آن و در دیگری بلاد روم و شام و در سومی یمن و قصرهای آن برایم آشکار شد و سپس به وصف قصرهای مداین پرداخت؛ به گونه‌ای که گویا آن را از نزدیک دیده بود. این خبر حکایت از گسترش اسلام در این مناطق داشت.

۲- توجه دادن نیروها به اصول اعتقادی و آخرت از طریق ابزار اشعار حماسی

یکی از تدابیر پیامبر اکرم(ص) جهت پیشبرد هر چه سریع‌تر حفر خندق، توجه دادن مسلمین به اصول اعتقادی و مخصوصاً آخرت بود. با تعلیم این اصل سازنده که زندگی حقیقی حیات اخروی است و زندگی دنیوی گذرا و بی اعتبار است، شور و نشاط کار در مسلمین زیادتر می‌شد. نکته در خور توجه این که به خاطر محدودیت زمانی و ضرورت تأثیر فوری سخن، رسول خدا(ص) از زبان شعر که موثرترین زبان آن روز بود، استفاده می‌کردند. به عنوان نمونه ابن سعد در ((طبقات)) می‌گوید پیامبر اکرم(ص) در جریان حفر خندق این بیت را تکرار می‌کردند:

اللهم ان الخیر الاخره، فاغفر للانصار و المهاجر و یا به قولی: لا عیش الاخره فاغفر للانصار و المهاجره و یا: اللهم لو لا انت ما اهتدینا و لاتصدقنا و لاصلینا. برای آن که مسلمین هدف اصلی را گم نکنند و بدانند که زحماتشان در چه جهت و برای چیست، با این روش بر اصول تأکید می‌کردند. شاید از همین نکته بتوان به این نتیجه رسید که در هر اقدام مدیریتی لازم است مدیر دائماً رهروان خود را با هدف یا اهداف آشنا و آنان را توجیه نماید. پیامبر اکرم(ص) از بهترین روش ممکن جهت انجام این مهم استفاده کرده اند؛ از روش آموزش غیر مستقیم و با بهره‌گیری از زبان شعر که تأثیر فوری و ماندگار داشت.

جهت تقویت روحیه مسلمین و فعال‌تر کردن آنان، موارد زیر از شیوه مدیریت پیامبر(ص) قابل استنباط است:

۳- مشارکت مستقیم و جدی و همه جانبه شخص رسول الله(ص) در کار حفر خندق

پیامبر اکرم(ص) برای ترغیب مسلمانان، با تمام توان کار می‌کرد و با فروتنی توصیف نشدنی، خاک بر پشت خود حمل می‌کرد؛ به گونه‌ای که تمام لباسش خاک آلود می‌شد. مسلمانان تا زمانی که پیامبر دست از کار نمی‌کشید، کار می‌کردند. به طوری که به گفته بسیاری از مورخان، نیروهای عادی مجاز بودند شب‌ها محل کارشان را ترک کنند اما پیامبر اکرم(ص) به اتفاق گروهی از اصحاب مومن و مخلص در کنار خندق می‌ماندند. نکته قابل توجه این که، این مشارکت به رهبری و هدایت مسلمین محدود نبود، بلکه آن حضرت خود خاک حمل می‌کردند و هر جا مسلمین در حفر خندق گرفتار مشکل می‌شدند از آن جناب استمداد می‌کردند.

۴- حضور شاد و با نشاط پیامبر اکرم(ص)

حضور شاد و بانشاط پیامبر اکرم(ص) این روحیه را به نیروها هم منتقل می کرد. روحیه با نشاط پیامبر چنان بر اصحاب تأثیر گذاشته بود که آنان حتی بیش از مواقع عادی با یکدیگر شوخی و مزاح می کردند. پیامبر اکرم(ص) هم تا آن جا که این شوخی ها برخوردی با ارزش های الهی و اسلامی و شخصیت افراد و اداره امور نداشت، آن را منع نمی کردند.

استفاده موثر از همه نیروهای درگیر در حفر خندق

یکی دیگر از تدابیر پیامبر اکرم(ص) در مدیریت نیروی انسانی، استفاده حداکثری از نیروها بود، به طوری که از سست ایمانان و حتی منافقین هم در حد مطلوب بهره برداری و استفاده می شد.

شیوه های تنبیهی در مقابل کم کاری نیروها

برخلاف روش های تنبیهی و انضباطی موجود در جوامع مختلف، مخصوصاً در شرایط جنگی، در جریان غزوه احزاب، توبیخ و تنبیه مستقیم افراد خاطی و قاصر در انجام وظیفه توسط پیامبر دیده نشده است. پیامبر اکرم(ص) نظامی را طراحی کرده بودند که در آن فرد خاطی خود به خود سرشکسته و شرمسار می شد. به نقل واقدی در جریان حفر خندق اگر از کسی سستی می دیدند به او می خندیدند. چنین بود که افراد سست ایمان و منافق هم از ترس ریشخند دیگران، ناگزیر از کار کردن بودند..

نظارت و کنترل همگانی و خودجوش میان نیروها و ایجاد اعتماد به نفس

چنان که قبلاً هم اشاره شد، نظارت پیامبر اکرم(ص) بر عملکرد افراد در جریان حفر خندق نظارتی غیر مستقیم بود. طراحی نظام تقسیم کار دقیق و رقابت ایجاد شده میان گروه های عمل کننده، موجب ایجاد نظام نظارت و کنترل همگانی و عمومی شده بود، به گونه ای که می توان گفت همه افراد خندق بر کار یکدیگر نظارت و کنترل داشتند. در عین حال نوعی حضور و غیاب غیر مستقیم هم نسبت به شاغلین در حفر خندق اعمال می شد، بدین ترتیب که هر کس ناگزیر از ترک موضع مأموریت بود از شخص رسول اکرم(ص) اجازه می گرفت و این به عنوان یک روحیه عمومی که جنبه ارزشی هم داشت، در آمده بود. چنان که قرآن مجید هم در سوره احزاب اشاره فرموده است، یکی از ملاک ها و مشخصه های تعیین اعتقاد و ایمان افراد، اجازه گرفتن از پیامبر اکرم(ص) جهت غیبت موقت بود.

بنابراین، وجه بارز نظام نظارتی پیامبر اکرم(ص) طراحی نظامی بود که براساس آن نوعی نظارت همگانی و خودجوش در میان نیروهای اسلامی ایجاد شده بود. این نظام نظارتی که بر مبنای اعتماد کامل میان رهبر و رهروان طراحی شده بود می توانست موجب تقویت اعتماد به نفس و باروری شخصیت افراد شود.

با توجه به مجموعه عوامل فوق بود که پیامبر اکرم(ص) موفق شدند کار عظیم و شگفت انگیز حفر خندق را در مدت کوتاه (کمتر از ده روز) به انجام رسانند. سرانجام، در این غزوه قدرت رهبری و مدیریت رسول الله(ص) توانست احزاب را شکست دهد و آخرین تهاجم سپاه متحد شرک و کفر را ناکام کند

۲-۳-۲ تاکتیک تحریم پیش دستانه و فشار بر دشمنان(اقتصاد تهاجمی)

احزاب سه روز پس از فراغت مسلمانان از خندق، به مدینه رسیده، در منطقه رومه، بین جُرْف و زَغابه فرود آمدند قریش و همراهانشان از تهاجم و کنانه و یهود در رومه و وادی العقیق، و غطفان و نجدیان در دامنه احد مستقر شدند و چارپایان خود را در

بیشهزارهای اطراف رها کردند؛ اما کاهش نزولات آسمانی در آن سال از یک سو و برداشت یک ماه بیشتر محصولات زراعی از سوی دیگر، دشمن را با مشکل تأمین علوفه برای چارپایان مواجه ساخت.

۲-۳-۳ شکستن صف تحریم و محاصره با ایجاد تفرقه در میان سپاه دشمن با ابزار اقتصادی و سیاسی

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) طی اقداماتی سعی کرد در سپاه دشمن تفرقه ایجاد کند؛ بدین منظور در نخستین اقدام و با توجه به انگیزه‌های اقتصادی غطفان بر آن شد تا با پرداخت یک سوم محصول خرماى مدینه، آنان را از ادامه نبرد منصرف سازد؛ اما غطفان به طمع بهایی بیشتر از پذیرش پیشنهاد، سر باز زدند و چون پس از درنگ بدان رضایت دادند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از مشورت با بزرگان مدینه و مخالفت آنان، از پیش‌نهاد خویش منصرف شد. این خبر چنانچه به قریش می‌رسید از اعتبار غطفان می‌کاست و میان آنان و قریش فاصله‌ای می‌انداخت؛ همان‌طور که خود به آن اعتراف داشتند.

پیامبر در اقدام دوم خود که تفرقه میان سپاه احزاب و بنی‌قریظه را دنبال می‌کرد از نعیم بن مسعود بهره برد. به نقل از واقدی نعیم، در جاهلیت با یهودیان سر و سرّی داشت و در این زمان، مسلمان شده؛ بی‌آن که یهودیان و مشرکان از اسلام او آگاهی یابند. او نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد تا وظیفه‌ای را به دوش گیرد. آن حضرت با ذکر این که جنگ خدعه و نیرنگ است او را برای ایجاد تفرقه، به میان دشمن فرستاد. نعیم وقتی نزد بنی‌قریظه رفت وضعیت آنان را حساس خواند؛ چرا که مشرکان به محض ناکامی به خانه خود بازمی‌گردند و بنی‌قریظه که در خانه خویش می‌جنگیدند تنها مانده و می‌بایست تاوان نبرد را بپردازند؛ از این رو از آنان خواست تا از قریش و غطفان بخواهند برای ضمانت پایداری احزاب تا پایان جنگ، افرادی را به عنوان گروگان به آنان تحویل دهد. نعیم سپس نزد قریش و غطفان رفت و بنی‌قریظه را مترصد فرصتی برای جبران پیمان‌شکنی خود با پیامبر نشان داد که می‌خواهند به بهانه‌ای از شما گروگان گرفته و به پیامبر تحویل دهند و بدین ترتیب، فضای بی‌اعتمادی را میان آنان پدید آورد و چون پیک بنی‌قریظه خبر از درخواست گروگان از قریش و غطفان را مطرح کرد، آنان به سخن نعیم اطمینان یافته، و حاضر به هم‌کاری نشدند و به این طریق هم‌پیمانی آنان با بنی‌قریظه برهم خورد. بنی‌قریظه نیز این عدم هم‌کاری را تأییدی بر سخنان نعیم دانستند؛ بدین‌گونه نعیم توانست میان سپاه دشمن تفرقه ایجاد کند و اتحادشان را بر هم زند.

۲-۳-۴ دعا و طلب نصرت و امداد الهی

به رغم تفرقه‌ای که در سپاه دشمن ایجاد شده بود همچنان خطر احزاب جدّی بود؛ از این رو پیامبر مجدّانه دست به دعا برداشت؛ از جابر بن عبدالله نقل است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه روز به راز و نیاز پرداخت، تا این که در روز سوم دعایش مستجاب شد و شادی در چهره آن حضرت نمایان گردید.

در شب آخر، سرما و باد شدیدی در گرفت به گونه‌ای که آتش‌ها را خاموش و ریسمان خیمه‌ها را پاره کرد. وحشت و سستی همه وجود مشرکان را فرا گرفت و آنان را به ناچار به عقب‌نشینی واداشت. خداوند درباره این امداد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ كُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا.» (احزاب/ ۳۳، ۹) از قتاده نقل است که خداوند ترس و باد و سپاه‌یانی نادیدنی را برانگیخت. باد هر آتشی را مشرکان بر می‌افروختند خاموش می‌کرد، تا این که برای نجات خویش، به کوچیدن تن دادند.

مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون حج، با توصیف شرایط کنونی اسلام و ایران، این صحنه را بسیار پیچیده توصیف کرده و آن را با صحنه آرای جنگ احزاب مشابه دانستند:

(لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر) «اگر «یرجوا الله واليوم الآخر» هستیم، اسوه، پیغمبر است. نه اینکه ما مثل او عمل کنیم - که محال است - راه او را باید ادامه دهیم. آن وقت در آیهی بعد، وضع مؤمنان به این پیغمبر روشن میشود: «و لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». در جنگ احزاب، از همه طرف حمله کردند. در جنگ بدر یک گروه بودند، در جنگ احد یک گروه بودند، در جنگهای دیگر قبائل کوچک بودند؛ اما در جنگ احزاب، همهی قبائل مشرک مکه و غیر مکه و ثقیف و غیره آمدند متحد شدند؛ ده هزار نفر نیروی رزمنده فراهم کردند؛ یهودیها هم که همسایهی پیغمبر بودند و امان یافتهی پیغمبر بودند، خیانت کردند؛ اینها هم با آنها همکاری کردند. اگر بخواهیم این را با امروز مقایسه کنیم، یعنی آمریکا با آنها مخالفت کرد، انگلیس مخالفت کرد، رژیم صهیونیستی مخالفت کرد، فلان رژیم مرتجع نفتخوار مخالفت کرد. پولهاشان را خرج کردند، نیروهاشان را جمع کردند، یک جنگ احزاب درست کردند؛ جنگ احزابی که دلها را خیلی ترساند. اوائل همین سوره میفرماید: «و اذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا»؛ مردم را میترساندند. الان هم همین جور است. الان هم یک عدهای مردم را میترسانند: آقا بترسید. مقابلهی با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را در می آورند! آن جنگ نظامی شان، این تحریمشان، این فعالیتهای تبلیغی و سیاسی شان. در آخر این سوره باز میفرماید: «لئن لم ينته المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمدينة لنگرينك بهم». مرجفون همینهايند. در یک چنین شرائطی، شرح حال مؤمن این است: «هذا ما وعدنا الله ورسوله»؛ ما تعجب نمیکنیم؛ خدا و رسولش به ما گفته بودند که اگر پابند به توحید باشید، پابند به ایمان به خدا و رسول باشید، دشمن دارید؛ دشمنها سراغتان می آیند. بله، گفته بودند، حالا هم راست درآمد؛ دیدیم بله، آمدند. «و صدق الله ورسوله و ما زادهم الا ايمانا و تسليما»؛ ایمانشان بیشتر شد. منافق، ضعیف الايمان، فی قلوبهم مرض - که طوائف گوناگونی اند - وقتی دشمن را می بینند، تنشانشان مثل بید می لرزد؛ بنا میکنند به مؤمنین بالله و زحمتکشانشان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: آقا چرا اینجوری میکنید؟ چرا کوتاه نمی آئید؟ چرا سیاستتان را اینجوری نمیکنید؟ همان کاری که دشمن میخواهد، انجام میدهند. اما از آن طرف، مؤمنین صادق میگویند: ما تعجبی نمیکنیم؛ خب، باید دشمنی کنند؛ «هذا ما وعدنا الله ورسوله».

یک جا هم فرموده: «و لن ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم»؛ تا وقتی کمند آنها را به گردن نیندازید، دنباله رو آنها نشوید، همین آش است و همین کاسه. خودت را قوی کن که کمندش در گردن تو تأثیر نگذارد؛ یک تکان بدهی، کمندش پاره شود. خودت را قوی کن. چرا خودت را ضعیف میکنی تا در مقابل او تسلیم شوی، خاکسار شوی، به خاک بیفتی؟ «و ما زادهم الا ايمانا و تسليما»

امام عارفان امیرمؤمنان علی (ع) پیرامون عبرت گرفتن از تاریخ بیانی دارند که ماحصلش این است: آنانکه از تاریخ عبرت می گیرند، دچار تکرار خطاهای گذشتگان نمی شوند. پس بد نیست قدری به عقب بازگردیم و تاریخ را کمی واکاوی کنیم تا بدانیم جنگ احزاب چه ویژگیهایی داشته است؟ دانستن این ویژگیها به ما کمک خواهد کرد تا صحنه امروز را به درستی و با بصیرت تمام درک کنیم و دچار انحراف و عقب ماندگی نشویم. مروری بر حوادث و نیز شرایط زمانی و مکانی وقوع جنگ

احزاب، چند خصیصه اساسی را به روشنی عیان می‌سازد: - جوان بودن اسلام. - اتحاد همه دشمنان و قبائل و بدخواهان علیه اسلام و پیامبر و طرح حساب شده دشمن برای نابودی کامل دین محمدی (ص). - محاصره اقتصادی طولانی مدت مدینه و تبعات محاصره (روانی، امکاناتی، غذایی و ...). - کمی قابل توجه عده و عده مسلمانان در برابر کفار. [بعضی از مورخان نفرات سپاه کفر را در این جنگ بیش از ده هزار نفر نوشته‌اند، در حالی که تعداد مسلمانان از سه هزار نفر تجاوز نمی‌کرد.] کتاب سیره پیشوایان نوشته مهدی پیشوایی - (تیراندازی مکرر طرفین به یکدیگر. - تلاش گسترده منافقین در داخل شهر مدینه در زمان محاصره برای تفرقه‌افکنی. - تضعیف روحیه مسلمانان سست عنصر در اثر طولانی شدن محاصره. - خیانت یهود بنی قریظه داخل مدینه به جبهه اسلام. - همراهان سست عنصر و ترسو در جبهه اسلام (می‌خواهیم برویم - خانه‌های ما امن نیستند - خسته شدیم). - نقش برجسته ایرانی‌ها (سلمان فارسی) در پیروزی مسلمانان در آن جنگ. - امداد الهی به مسلمانان. - میدان‌داری چهره‌های برجسته و رعب‌آور جبهه دشمن چون عمرو بن عبدود. - و فقط علی بود که در روز رعب مسلمانان در برابر عمر بن عبدود، مردانه ایستاد. در آن روز اسلام و قرآن در صحنه نظامی بر لب پرتگاه قرار گرفته بود و بحرانی‌ترین لحظات خود را می‌پیمود و کسی که با فداکاری بی‌نظیر خود اسلام را از خطر نجات داد و تداوم آن را تا روز قیامت تضمین نمود و اسلام از برکت فداکاری او ریشه گرفت، علی علیه‌السلام بود. و اما امروز... تأملی بر وضعیت و اتمسفر جبهه اسلام و پیشانی آن یعنی ایران اسلامی و جبهه استکبار و نحوه صف‌آرایی این دو در حال حاضر، عمق بیان رهبر فرزانه انقلاب اسلامی را آشکار می‌سازد که در لابلای مسائل سیاسی و اقتصادی روز نباید فراموش کنیم که مبارزه همچنان و تا همیشه تاریخ ادامه خواهد داشت. امروز، نهضت بیداری اسلامی در دوران جوانی و بالندگی خود به سر می‌برد و از این روست که مورد تهاجم بی‌سابقه قرار گرفته است و همه دشمنان و بدخواهان این نهضت، طرحی حساب‌شده را در قالب‌های مختلف نظامی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و ... تدارک دیده‌اند تا ریشه این نهضت را از بن برکنند. در چنین فضایی، فلسفه محاصره اقتصادی، سیاسی ایران اسلامی - بعنوان مرکز این نهضت - توسط غرب دقیق‌تر دانسته می‌شود. اینک جبهه حق - در حالی که در محاصره واقع شده - از داخل نیز با منافقان تفرقه‌افکن مواجه است و نیز بی‌بصیرتان و سست‌عنصرانی که بقول رهبر فرزانه انقلاب فرسوده شده‌اند و می‌خواهند "زندگی" کنند! دشمن با همه ادوات خود به میدان آمده و چهره‌های عربده‌کش و ترس‌آور خود را نیز به میدان رزم گسیل داشته است. در این کارزار، باز هم به مانند صدر اسلام، فرزندان سلمان - که مناهل‌البیت بود - در خط مقدم مبارزه ایستاده‌اند و دین خدا را یاور و مددکارند..

نتیجه‌گیری و بیان دلالت‌های اقتصاد مقاومتی

با بررسی شرایط شعب ابی طالب و جنگ احزاب به عنوان دو نمونه از مواردی که پیامبر اکرم (ص) در مقابله با محاصره و تحریم اقتصادی - اجتماعی - نظامی قرار گرفتند و نیز با بررسی آثار و نتایج این تحریم‌ها بر مسلمانان در صدر اسلام راهبردهای زیر جهت سیاست‌گذاری و استراتژی بلندمدت و کوتاه مدت در اقتصاد مقاومتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱- بالا بردن هزینه تحریم برای کشور تحریم‌کننده از طریق ایجاد پیمان‌های منطقه‌ای و وابسته ساختن طرف مقابل به

کالاهای استراتژیک و صادرات جمهوری اسلامی

۲- دور زدن تحریم‌ها از طریق ایجاد روابط تجاری با کشورهای بی‌طرف

۳- فرهنگ‌سازی روحیه استقامت، جهاد و پایداری در شرایط سخت و نشان دادن آزمایش الهی بودن این اتفاقات و

حوادث.

- ۴- شکستن صف و اتحاد دشمنان در تحریم های اقتصادی از طریق تطمیع و ایجاد تفرقه در میان دشمنان جمهوری اسلامی از طریق متنوع ساختن منافع کشورهای درگیر با جمهوری اسلامی در تحریم اقتصادی
- ۵- سیاست گذاری راهبردی در جهت تامین امنیت غذایی جمهوری اسلامی در مقابله با تحریم های تجاری
- ۶- تلاش در جهت ایجاد روحیه اتحاد میان مسلمانان در داخل کشور و احساس همبستگی میان مسلمانان داخل و خارج جمهوری اسلامی در مقابله با تهاجمات دشمن
- ۷- سیاست گذاری در جهت ترویج فرهنگ دعا و طلب نصرت و برکت از خداوند در مقابله با تهدیدات اقتصادی- اجتماعی دشمن
- ۸- برنامه ریزی در جهت مقابله با جنگ روانی منافقین داخلی- در جهت تضعیف روحیه خودباوری و افکندن روحیه تردید و ترس و شک در حقانیت نظام جمهوری اسلامی و اهداف آن -
- ۹- یادآوری حافظه تاریخی ایرانیان و مشابهت آن ها با شرایط مسلمانان در صدر اسلام در مواجهه با تحریم ، محاصره و جنگ و مقابله با شرایط سخت و نتایج آن ها
- ۱۰- فرهنگ سازی روحیه کار و تلاش و و جهاد اقتصادی در مقابل جنگ اقتصادی دشمن
- ۱۱- تبیین و آگاه سازی مردم از اهداف انقلاب اسلامی از مقابله و استقامت در مقابله با دشمنان و ثمرات آن
- ۱۲- ایجاد روحیه ابتکار و نوآوری جهت مقابله با تهدیدات دشمنان در کمترین زمان ممکن
- ۱۳- مدیریت نیروها و منابع انسانی در جهت بهره وری هر چه بیشتر در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی
- ۱۴- ایجاد شوراهای مشورتی مشتمل از کارشناسان اقتصادی و فرهنگی جهت مقابله با تهدیدات اقتصادی- فرهنگی و نظامی دشمن و تبیین راهبردهای مقابله با آن.
- ۱۵- ایجاد روحیه خودباوری و نهرا سیدن در مقابل دشمن قوی تر به لحاظ امکانات و نیروها ، به کمک امداد و نصرت الهی
- ۱۶- تقسیم کار و مردمی سازی اقتصاد و مشارکت اقشار مختلف مردم-پیر و جوان، زن و مرد- در سازندگی کشور
- ۱۷- ایجاد روحیه کار و تلاش مضاعف و پرهیز از تنبلی در کارها و دشمن را در مقابل خود دیدن و جهاد اقتصادی در مقابل آن
- ۱۸- در خط مقدم بودن سیاستمداران و رهبران نظام جمهوری اسلامی در روند سازندگی کشور و اطلاع رسانی به مردم در جهت ایجاد انگیزه در آن ها
- ۱۹- سرودن اشعار حماسی در راستای جهاد اقتصادی جهت تقویت روحیه خودباوری و تلاش و نیز ایجاد روحیه غیرت و حمیت و نهرا سیدن از دشمن
- ۲۰- فرهنگ سازی در جهت تقویت ایمان به نصرت، برکت و گشایش الهی در شرایط سختی ها و ابتلائات و امتحانات الهی
- ۲۱- اقدامات انگیزشی و تنبیهی مناسب در جهت ترغیب نیروها به انجام مسئولیتهای محوله
- ۲۲- نظارت و کنترل بر عملکرد کارگزاران اقتصادی
- ۲۳- اقتصاد تهاجمی و به کار بردن تحریم های پیش دستانه جهت وابسته سازی دشمن به اقتصاد کشور

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- دانشنامه جهان اسلام، جلد شانزدهم
- ابن هشام، السیره النبویه، چاپ ابراهیم الایاری، مصطفی السقاء عبدالحفیظ شلی، بیروت، بی تا.
- محمد بن عمر واقدی، مغازی، چاپ مارسدن جونز، لندن ۱۹۶۶
- تاریخ یعقوبی
- تاریخ طبری
- ابن هاشم، السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ایاری و عبدالحفیظ شلی، قاهره ۱۳۵۵/۱۹۳۶، چاپ افست، بیروت، بی تا.
- محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، ۱۴۱۳
- سیره ابن هشام، ج ۳،
- سبحانی جعفر، فروغ ابدیت،
- زندگانی حضرت محمد (ص)، سیدهاشم رسولی محلاتی
- مقاله «مدیریت در بحران (تحلیلی از جنگ خندق)» از پایگاه اطلاع رسانی پیامبر اعظم
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، سیری در سیره نبوی
- رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۶۹،
- مجله گلبرگ: آبان ۱۳۸۵، شماره ۸۰.
- مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۵۰ تا ۵۷

- سایت اینترنتی www.khameie.ir
- مقام معظم رهبری، انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۰، انتشارات صهبا
- محمد احمد، جنگ بدر، ۱۳۶۱، موسسه انتشارات عبدالرحیم علمی
- علی جعفرزاده، نگرشی جدید بر جنگ های صدر اسلام از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۱، انتشارات کاشف الغطاء
- ماهنامه اندیشه حوزه، سال پانزدهم، شماره اول، ۱۳۸۸
- طائب، مهدی، ۱۳۹۰ "چرا در شرایط بدر و خیبر هستیم؟ در سایت www.khameie.ir
- رجیبی دوانی، ۱۳۹۱، شرایط بدر و خیبر و شرایط جمهوری اسلامی، در سایت rajanews.com
- میرمعزی، حسین، ۱۳۹۳ "اقتصاد مقاومتی از منظر دین"، مجله مبلغان، شماره ۱۷۹
- تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت) سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹،
- تدبر در سیره معصومین (علیهم السلام)، ۱۳۹۲، الهی زاده محمد حسین، موسسه تدبر در قرآن و سیره
- دایره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی؛ جلد اول، ۱۳۸۷، علی دهموش العاملی، دانشگاه امام حسین (ع)
- سیره سیاسی پیامبر اعظم (ع)، جمعی از محققان، ۱۳۸۷، پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی
- اصول مدیریت بحران در قرآن کریم، محمدی سیرت، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)